

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: والنتین کاتاسانوف\* (Valentin Katasonov)

برگردان: ا. م. شیری

20 نومبر 2024

## صهیونیست‌های مسیحی، واقعیت حکمرانی در امریکا!



حدود نیمی از پروتستان‌های انجیلی امریکا طرفدار صهیونیسم مسیحی و حامی اسرائیل هستند.

[ قابل توجه ضدامپریالیست‌ها و ضدصهیونیست‌های جدی! ]

از سده‌ها قبل از این که رژیم صهیونیستی اسرائیل در سرزمین فلسطین تشکیل شود، صهیونیسم به اصطلاح بین الملل در انگلستان و امریکا حکمرانی می‌کند. با این حال، به گمانم لازم است خود ضدامپریالیست‌ها و ضدصهیونیست‌های جدی چگونگی تنظیم روابط با دولت‌های تحت فرمان صهیونیسم را روشن کنند.

یادآوری: مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۵ صهیونیسم را به عنوان نوعی نژادپرستی و نفرت نژادی محکوم کرد. - شیری

\*\*\*\*\*

هر از چند گاهی عبارت "صهیونیسم مسیحی" در رسانه‌های روسیه ظاهر می‌شود. اما اکثر خوانندگان روسی توجه زیادی به آن ندارند. در دنیای امروز چیزهای عجیب و غریب زیادی وجود دارد! علاوه بر این، غرابتی که

"صهیونیسم مسیحی" نامیده می‌شود نه به روسیه، بلکه به غرب، به‌ویژه، به دنیای آنگلساکسون مربوط می‌شود. در اینجا سخن از برخی افراد غیر عادی می‌رود که خود را هم مسیحی و هم صهیونیست می‌دانند. به نظر خواننده منطقی، اصطلاح "صهیونیسم مسیحی" را عموماً می‌توان یک "اکسیمورون"، یعنی عبارت مرکب از کلمات با معانی متضاد نامید. در ادبیات بدیعی، نویسندگان اغلب از اکسیمورون استفاده می‌کنند. به عنوان مثال: سکوت بلند؛ شادی تلخ؛ زنگ سکوت؛ حزن دلچسب؛ فریاد خاموش؛ لحظه طولانی؛ دروغ‌های واقعی؛ دروغ‌گوی صادق؛ یخ داغ؛ درد شیرین و غیره. نویسندگان به استفاده از اینگونه عبارت مجاز هستند. "اکسیمورون" ابزار خلاقیت هنری آن‌هاست.

اما چنین "آزادی‌ها" برای افراد اهل کلیسا و یا درگیر سیاست جایز نیست. ما معتقدیم که مسیحیان باید صهیونیسم را محکوم کنند. ویکی‌پدیا تعریف زیر را از این مفهوم ارائه می‌دهد: "صهیونیسم (مشتق از نام کوه صهیون در اورشلیم) یک جنبش ملی سیاسی است که هدف آن اتحاد و احیای قوم یهود در سرزمین تاریخی خود - در سرزمین اسرائیل و همچنین، یک مفهوم ایدئولوژیک است که این جنبش بر آن استوار است. صهیونیسم سیاسی را تئودور هرتزل، شخصیت اجتماعی-سیاسی بنیان گذاشت.

مسیحیان کشور ما (بیشتر مسیحیان ارتدوکس) می‌گویند که تشکیل کشور اسرائیل نشانه نزدیک شدن به آخرالزمان است. از این گذشته، یهودیان به بازسازی معبد اورشلیم، به ساختن معبد سوم در محل معبد دوم که تقریباً دو هزار سال پیش ویران شد، نیاز دارند. و آن‌ها به دومی نیاز دارند تا مسیح مورد انتظار همه یهودیان وفادار در آن بنشینند. اما این، طبق عهد جدید، یک مسیح دروغین، به عقیده مسیحیان، دجال خواهد بود. در نتیجه، هر مسیحی آگاه و مؤمن واقعی نمی‌تواند ضد صهیونیست نباشد. می‌توان مخالف پنهان یا آشکار مسیحیت بود. اما، مفهوم "صهیونیسم مسیحی" هم از منظر مسیحی و هم از منظر یهودی، واقعاً "اکسیمورون" است.

در حال حاضر، موضوع "صهیونیسم مسیحی" به طور غیرمنتظره‌ای توجه بسیاری را در جهان، از جمله، در روسیه به خود جلب کرده است. دلیل این علاقه‌مندی، پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بود. همه ناظران و مفسران به عشق ویژه ترامپ به اسرائیل توجه دارند. چیزی که او حتی در دور اول حضورش در کاخ سفید در سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۲۱ نشان داد. مقالاتی در این زمینه نوشته شده و می‌شود که نویسندگان آن‌ها از "صهیونیست" خواندن ترامپ ابائی ندارند. و حتی برخی به او لقب "صهیونیست ارشد آمریکا" می‌دهند.

آیا دونالد ترامپ واقعاً یهودی و کلیمی است؟ نه، اصلاً! او از نوادگان مهاجران آلمانی است (پدر بزرگ و مادر بزرگش در سال ۱۸۸۵ به آمریکا مهاجرت کردند). او به دین پروتستان، یکی از اشکال پروتستان‌تیسیم اعتقاد دارد. ترامپ اغلب خود را "پروتستان" یا "مسیحی" می‌نامد.

و در مطبوعات آمریکا، ترامپ نه بسادگی یک صهیونیست، بلکه به عنوان یک "صهیونیست مسیحی" معرفی می‌شود. و ترامپ، بر اساس اظهارات متعدد خود، چنین احساسی دارد. در عین حال، ترامپ نوعی عجیب و غریب تنها نیست. او نماینده کل اردوی صهیونیست‌های مسیحی آمریکائی است.

در ادبیات ما (شوروی و پس از شوروی) آمریکا معمولاً به عنوان یک کشور عمدتاً پروتستان شناخته می‌شود. تقریباً نیمی از جمعیت آمریکا خود را پروتستان می‌داند (نیم دیگر پیرو مذاهب کاتولیک، ارتدکس، مسلمان و سایر ادیان هستند). فرقه‌های پیرو پروتستان بسیار زیاد هستند: لوتران‌ها، کالوینیست‌ها، بپتیست‌ها، پنطیکاستی‌ها،

متدیست‌ها، پرسبیتی‌ها، انگلیکن‌ها و غیره. هر فرقه دارای تعداد زیادی سایه می‌باشد (اغلب "بحث" نامیده می‌شود).

واضح است که در آمریکا که عمدتاً پروتستان هستند، سیاستمداران وابسته به کلیساهای پروتستان معمولاً به عنوان رئیس جمهور انتخاب می‌شوند. در کل تاریخ آمریکا، فقط دو رئیس جمهور - جان کندی، سی و پنجمین رئیس جمهور و جو بایدن، چهل و ششمین رئیس جمهور، پروتستان نبوده است. آن‌ها کاتولیک هستند | **خلاف گفته** پروفیسور کاتاسانوف، بایدن بارها خود را یک صهیونیست نامیده است. و حالا سنت قطع شده توسط بایدن، دوباره در حال بازسازی است: دونالد ترامپ، چهل و هفتمین رئیس جمهور، یک پروتستان و نه فقط یک پروتستان، بلکه یک صهیونیست مسیحی است.

طبق برآورد خود امریکائی‌ها، تقریباً نیمی از پروتستان‌های آمریکا به مسیحیت به اصطلاح "انجیلی" تعلق دارند. این‌ها پیروان مذاهب و آموزه‌های پروتستانی هستند که می‌کوشند کتاب مقدس را راهنمای زندگی خود قرار دهند. خلاف آن‌ها، نیمه دوم پروتستان‌ها که مسیحیت را اساساً به عنوان یک "سنت فرهنگی" می‌دانند، غیرمستقیم مسیحیان "اسمی" نامیده می‌شوند. اگرچه اولی‌ها خود را "انجیلی" می‌نامند، اما راهنمای زندگی آن‌ها نه تنها انجیل چهارگانه و عهد جدید، بلکه عهد عتیق است. علاوه بر این، عهد عتیق برای بسیاری از "انجیلیان" در درجه اول قرار دارد.

بنابراین، بر اساس برخی برآوردها، تقریباً نیمی از اعضای پروتستان‌نیم انجیلی در آمریکا پیرو صهیونیسم مسیحی و طرفدار اسرائیل هستند. علاوه بر این، دلایل حمایت از دولت یهود سیاسی نیست، بلکه همانطور که تأکید می‌کنند معنوی است. آن‌ها معتقدند که چنین حمایتی از کتاب مقدس سرچشمه می‌گیرد.

در روسیه (ظاهراً به دلیل این واقعیت است که این کشور عمدتاً یک کشور ارتدوکس است)، تقریباً هیچ کتابی در مورد موضوع صهیونیسم مسیحی وجود ندارد. اما در غرب، به ویژه در دنیای آنگلوساکسون (انگلیس، آمریکا، کانادا) تعداد زیادی کتاب درباره صهیونیسم مسیحی منتشر شده و می‌شود. من تعدادی از معروف‌ترین آن‌ها را نام می‌برم:

- پل ریچارد ویلکینسون. به خاطر صهیون: صهیونیسم مسیحی و نقش جان نلسون داری، ۲۰۰۸.
- زیو حفنس. پیمان منعقد در بهشت: یهودیان امریکائی، صهیونیست‌های مسیحی، و تحقیقات یک مرد درباره اتحاد عجیب و شگفت‌انگیز یهودی-انجیلی، ۲۰۰۷.
- ویکتوریا کلارک. متحدین آرماگدون: ظهور صهیونیسم مسیحی، ۲۰۰۷.
- گریس هالسل. پیشگویی و سیاست: انجیلیان مبارز در راه جنگ هسته‌ئی، ۱۹۸۶.
- دونالد ام. لونیس. ریشه‌های صهیونیسم مسیحی: لرد شفتسبری و حمایت انجیلی از میهن یهودی، ۲۰۰۹.
- رامی هایا. لابی آرماگدون: صهیونیسم مسیحی تخطی‌گرایانه و شکل دادن به سیاست آمریکا در قبال اسرائیل و فلسطین، ۲۰۰۶.
- ایروین اندرسون. تفسیر کتاب مقدس و سیاست در خاورمیانه: سرزمین موعود، آمریکا و اسرائیل، ۱۹۱۷-۲۰۰۲، ۲۰۰۵.
- علاقه‌مندم حداقل یک یا دو کتاب با موضوع صهیونیسم مسیحی به روسی ترجمه و در روسیه منتشر شود. زیرا، بدون درک تأثیر صهیونیسم مسیحی بر سیاست‌های داخلی و خارجی کشورهای غربی (به ویژه دنیای

آنگلوساکسونی)، از جمله، پدیده دونالد ترمپ مسیحی صهیونیست، درک بسیاری از رویدادهای دنیای معاصر دشوار است.

در ادبیات شوروی و پس از شوروی درباره صهیونیسم، تاریخچه این پدیده اغلب از اواخر قرن نوزدهم، از زمانی که در سال ۱۸۹۷ به ابتکار و به رهبری تئودور هرتزل، اولین کنگره صهیونیستی در بازل برگزار شد، آغاز می شود. در واقع، تاریخ صهیونیسم باید از زمانی دست کم چندین قرن قبل شروع می شود. ایده های صهیونیسم مسیحی در قرن شانزدهم، زمانی که مارتین لوتر فرآیند اصلاح طلبی را آغاز کرد و پروتستانیسم در اروپا شکل گرفت، به شکل گیری شروع کرد. پیوریتن ها به ویژه در شکل دادن ایدئولوژی صهیونیسم مسیحی موفق بودند. آن ها بر این عقیده بودند که حتی پس از مصلوب شدن مسیح در کالواری، و پس از تسخیر یهودیه توسط رومیان و ویران شدن معبد اورشلیم (در سال ۷۰ پس از میلاد)، یهودیان (به طور دقیق تر، کلیمی ها) "قوم برگزیده خدا" باقی ماندند. و مأموریت "مسیحیان واقعی" (بخوانید: پروتستان ها، یا به عبارت دقیق تر، پیوریتن ها) محافظت از بقایای "قوم برگزیده خدا" و نجات آن است. پیوریتن های انگلیسی از حامی خود ا. کرامول خواستند تا اسکان مجدد "قوم برگزیده خدا" را از قاره اروپا به جزایر آلبیون مه آلود [انگلستان] تسهیل کند. و در آینده، برای حرکت "قوم برگزیده خدا" به "سرزمین موعود"، یعنی فلسطین، بازسازی یهودیه (اسرائیل) و از نو ساختن معبد اورشلیم و غیره، و غیره به هر کار ممکن دست بزنند.

بازگویی آن غیرممکن و درک آن، دشوار است. زیرا، این دیدگاه های پیوریتن ها و دیگر پروتستان هایی که به آن ها پیوستند، با درک ارتدوکس از تاریخ و آخرت شناسی (دکترین پایان تاریخ) در تضاد آشفتنی ناپذیری است. پیروی از اصول صهیونیسم مسیحی (اگرچه در آن روزها چنین اصطلاحی ابداع نشده بود)، طبق نظر پیوریتن ها و سایر پروتستان ها ضامن نجات آن ها خواهد بود.

معلوم می شود که بسیاری از افراد مشهور چه در انگلستان و چه در سایر نقاط قاره اروپا به مسائل مربوط به صهیونیسم مسیحی علاقه مند بودند. به عنوان مثال، اسحاق نیوتن، فزیکدان مشهور. معلوم می شود که او نه تنها به فزیک، بلکه به دین نیز اعتقاد داشته و به غیبت و کابالا علاقه مند بوده است. او حتی پایان جهان را پیش بینی کرد که باید حداکثر تا سال ۲۰۶۰ اتفاق بیافتد. او مطمئن بود که قبل از پایان جهان، یهودیان به "سرزمین موعود" باز خواهند گشت، دولت اسرائیل احیاء و معبد اورشلیم بازسازی خواهد شد. اسحاق نیوتن معتقد بود این اراده خداوند متعال است و مسیحیان (به عبارت دقیق تر، پروتستان ها) حداقل نباید در برابر این اراده مقاومت کنند. بهتر است در اجرای آن سهیم باشند.

در مورد افکار سیاستمداران، فیلسوفان، دانشمندان و متکلمان مشهور پروتستان دنیای کهنه در باره صهیونیسم مسیحی می توان کتاب هانوشت. از پایان قرن نوزدهم، تمرکز اصلی صهیونیسم مسیحی روی دنیای جدید (یعنی آمریکا) بوده است. این فقط یک دریچه به زندگی امریکائی در آن زمان با الهام از کتاب پل چارلز مرکلی (۱۸۹۱-۱۹۴۸) به نام "سیاست صهیونیسم مسیحی" است. این کتاب در سال ۱۹۹۸ در انگلستان منتشر شد. در سال ۱۸۹۱، یوجین بلکستون، صهیونیست مسیحی معروف امریکائی، جمع آوری امضاء برای طوماری خطاب به بنجامین هریسون، رئیس جمهور وقت آمریکا را سازماندهی کرد. این طومار خواستار کمک به یهودیان برای بازپس گیری "سرزمین موعود" خود بود و در آن آمده است: "قدرت هایی که بر اساس پیمان صلح برلین در سال ۱۸۷۸ بلغارستان را به بلغارها و صربستان را به صربها واگذار کردند، چرا نباید فلسطین را به یهودیان بازگردانند؟ ... این سرزمین ها و همچنین رومانی، مونته نگرو و یونان از ترک ها گرفته شد و به صاحبان طبیعی

آنها واگذار گردید. آیا فلسطین واقعا به یهودیان تعلق ندارد؟" این طومار را ۴۱۳ نفر امریکائی مشهور- رئیس دیوان عالی کشور، رئیس مجلس نمایندگان، رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان و چندین "نماینده مردمی" کنگره، راکفلر، مورگان و دیگر الیگارش‌های معروف امریکا امضاء کردند.

به هر حال، این اعلامیه ۲۶ سال قبل از "اعلامیه بالفور"، مشهور به نامه بالفور در ادبیات تاریخی، متولد شد (اعلامیه بالفور- بیانیه رسمی مندرج در نامه مورخ ۲ نومبر ۱۹۱۷ آرتور بالفور، وزیر امور خارجه انگلیس خطاب به والتر روچیلد، یکی از رهبران یهودی صهیونیست و رئیس جوامع یهودی انگلیس).

امروزه اکثر صهیونیست‌های مسیحی در امریکا مستقر هستند. کتاب‌های زیادی عمدتاً تحسین برانگیز و آشکارا تدافعی درباره صهیونیسم مسیحی امریکائی در امریکا نوشته شده است. به خصوص، بسیاری از نشریات مشتاقانه در مورد موضوع صهیونیسم مسیحی در امریکا در قرن بیست و یکم منتشر شده است. و این اتفاقی نیست. اما، کتاب‌های انتقادی بسیار کمی وجود دارد. زیرا، به نظر می‌رسد تعداد حامیان آن به سرعت در حال افزایش است.

برگرفته از: [بنیاد فرهنگ ستراتیژیک](#)

مطالب مرتبط:

- [امریکا و اسرائیل \(۱\)](#)

- [امریکا و اسرائیل \(۲\)](#)

۲۷ آبان- عقرب ۱۴۰۳

\*- پروفیسور، دکتر علوم اقتصاد، مدیر مرکز پژوهش‌های اقتصادی "شاراپوف" فدراسیون روسیه، پژوهشگر مسائل پشت صحنه